

در ایام هفته بقدر امکان طبع و نشر میگردد
یکم نمره هفت شاهی

مدیر: علامین کسایی
محل اداره کسما

بختکلا

۱۳۳۵

عنوان مگراف و تلفون: از توچه لیبیا و امور ما
عنوان مراسلات پستی: زمین کسما. مدیر
و به اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک

یکماه ۵۰ تومان
ششماه ۲۰۰ تومان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

افاده مرام

کامکنان این روزنامه برای آگاهی هموطنان بنام آزادی
مطبوعات در صد دنا سیس این جریده دین ناچیه برآمدند
سبب تاسیس این اوراق از روزم گذشته بلکه واجب و
بدون فوت وقت فخلت را کنار گذاشته با هر فردان
رئمت ما فراهم نبودن لوازمات عثمانی مرفق گفته توفیق
این خدمت و بپایان رساندن این مقصود را از خدمت
اهدیت خواستاریم

مقصود ما عبارت پرورداری و اطلاعات فارده نیست
نگشته و افکاری خسته باز بانی الکن خواهیم اظهارات
خود از نظر افوا دقت گفته ایم
شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساختن با ما
شوند از صاحبان افکار عالیله و ادب با بتم استمداد مطبوعیم

اعتذار

اول باب و دانت که جنبیت نوشته این نامه ملی ایرانی و
بیزنی نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون میباشد جهت

طبع و نشر بدون اتیان از خدمات همیشه مدد فائز است
دنت بوده است در انتشار جوان بکافیه لذا بهرجهت
اولین شماره از آن مقام فیج اتیان این جریده را خواهیم

اولین قدم برای حسن جریان اخبار

اشخات چهارمین دوره تقبینه از زمان عموم را بنور و غیب و
متوجه ساختن است و غفور و غفور و غفور و غفور و غفور
مات فطی و غفور و غفور و غفور و غفور و غفور و غفور
نمود یعنی در این دوره قضیه یا یکی عرفی درک به شانی این
و خاک خواهد نشست و با نیم جات بشام و فن
رسیده و جنسی در فضای فالتوی بدنه خواهد شد

پس فتنه ایران در بار کترین حوضج بولناکی کامل سیاست
این آبت بکنظر آرا که نشان داده و رفع کرد ده است
در جاکر با این جهت مریخ آنچه از خدمات کارشناسان
و از گوشه و کف و مشهور میگردد ما را باز یک
امر نموده نهال امیدمان با حقیت باس از می و سینه
بدین معنی که فقط امید داری که از این مجله

دانشستنا حریان انتخابات است که بدستگاه آنها با
یک وسیعکاری فوق العاده رت ازادوار سابقه
بتر و فاحش تر است بحال جریان باشد
واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه حد به وقت
دخیم خواهد داشت و بچه اندازه آیه این آب و خاک را
تهدید نماید

آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم
بوده و میباشد و چندان وقت هم فوت نگردیده مانا
تصمیم حکام در دسای سابقه و سلب اقتدارات غیر مشروع
ایشان میباشد از قبیل قتل السلطان و ذبح فرما
و کاران بزرگ و معتقدان و غیره

چه همین حکام در روزها امروزه که مصادر امور ایالات و
ولایات از همان زمره اشخاصند که تا روز یک وقت
غیر قابل تقریر است به است مکاران ستم پیشه استبداد
نیش خود بر احوال آن جوهری سلطنت مستبده منقوره کنند
روسی داد و بار از روزگار نوع خود بر آورده و لذت
بچگونه لطمه بناموس وطن و بهر طمان خود مضایقه کردند

انصاف باید داد که ما نام داری این گونه اشخاص
با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون
انتخابات نمایندگان مجلس ملی بدینان میباشد
آثاره و نتیجه بجز سوت دادن قلم بودی عدم و
تهدید با محلول چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا
جریان این انتخاب اطمینان بخش خواهد بود

و دکانشیکه به سینه ایمان و پارتی بازی فرق مخصوص
ذکر داری در کسیرن پارلانی نیستند) برگریدند تا قالی
قانون گذاری و زمانه دای مکتبی بوده و شاید سپردن
ناموس قومی بیکه افتدشان خواهد بود ؟
که امروزه این گرگان آدم خوار خود را با سس میش سر
بر...

و ما نشان وطن سوزنی مناسب
و در چه ساده لوحی و چه سهل انگاری مانیز با سبب
انکار عموم اهل میان ایران آنان را عاطفان می نامیم
که ابرایبان امروزی بدین اغفالات و عوض کردن
لباس و تجدید پرده و ذیب کوز و بهیچ وجه خود را
آلت دست شمارا نخواهند داد و میگویم

ای بیخبران فاش پیغمبر باینکه ملت ایران لذت
اشقام را چشیده و از این طعمه لذت بدست بردار نخواهند
بود: در دوش متحده جدید خود را که محاربات
فوری قاتلان است کنار نخواهند گرفت
اگر چنانچه بزرگترین حبیل و دیالین نیز تمسبت شده
و تصمیم قلمت منظم دولت قیوم مارا که شروع با اصلاحات
و تصحیح مفسده و دفع مواد موزیه و دفع حکام حربه
و انتخاب نمایان در سکار از جهت سیر پرستی ملت است
محترم شمرده و در صد اخطال بر آید

بدون فوت وقت نمایان را در کنار آن خواهند
بخت :
و مانیز این اقدام بوقع نیست معظم دولتی و که با مصاحات
شروع کند باقی مملو از دولت خوایی و فراموشی
تقدیر کرده : و موافقت نوابز این مذاکراتی عظیم که
اولین قدم برای من جریان انتخابات است در وقت
بنامیم

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد مکراف وکیل را
که بطهران منابره شده برای اطلاع قارئین گرام
به اولین شماره جدید خود درج فرمائید

سواد مکراف

توسط حضرت اشرف آقای مستوفی الملک
خانکهای اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله علیه
افتتاح دارالتورسی تاکنون برای برخی مخدودا

معتبر بود
منقود
حاکم از
صادر
مضرات
بسیار
سرعت
مقاصد
مجلس
حفاظت
اعلی حضرت
سریر

کتوب

روزنامه
مقاله
خود
عوض
بهیچ
باز
مستند
نبوده
توضیح
اوقام
ملاحظه

معتبر بود اکنون باقبال بزرگان شامش می توان
منفق و شرایط موجود در آن جهان مطامع که
حاکم از حسن نیت مقدمه و مرام ملوکانه بود

صادر
مضرات تاخیر این امر در پیشگاه جمیونی مشهود فائین
بسیار شغول است عا داریم امر اقدس اعلی
سرعت انجام و تشکیل دوازدهوی که یکی از
مقاصد فدایان است مقرر تا پس از افتتاح
مجلس سایر مقاصد و مرام فدایان که فقط متضمن
حفاظت وطن و ملت و حیانت تاج و تخت
اعلیحضرت شامش می بوده و مهت باید
سریر مقدس مروض گردد

محل قدسیت اتحاد اسلام گیلان

کتاب محل

تقدیم شکر: در خواست فعلیت
قول رافضی لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴۴ تحت عنوان کتاب سرباز
مقاله مندرج بودنی جنسیار محکم که دید که بنات صدادقا
خود هم قطار نام را توسط این جریه در ضمن ادای تشکر و
عرض جواب مشهود دارم

بدین است که هیچ قومی در عالم مانند ملت تکمیل ایران
بازادی ملت روسیه که در زیر رنجبر امارت حکومت
مستبد و بیترین در گامی و چار بودند علا و تمند
نبوده و نیت

توضیح واضح میدانیم که بگوئیم حقیقت دموکراسی تمام
اقوام عالم را مستعد و وحدت عملیات هر ملتی را بدو
ملاحظه اختلاف تراد و نهیب متضمن جلا و این

نظریه که آزادی هر ملتی به اشتاب مرتکب مل دیگری که
طبق آزادی را ملی بنامند خواهد شد مملکت و ملتی
است که برای تعلقات اقتصادی و بجزاری و غیره
علاقه حیاتی با مالک و بگرداشته ناگزیرند که رشته
معدت خود را محکم و از مساوت یکدیگر بهره مند گردند
ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایر ملت
روسیه مرتبط و منظر حسن روابط بجزاری است

ایران محنت دیده بارزده سال است که بوقبانی هزاران
فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت برای
مطالم و حث جز حکومت نساری در ذمه موفق با صلاحات
نگر دیده کل آزادی از دایره لفظ خارج نشد بلکه محنت
تراز استند او سابقه چهار لطافت طاقت فرسا گردید

اطفال پرگشته پیمان و دادان پسر مرده مردان
همتی بیاد داده که بامید استقام را آنچه عدالت تحمل
این هر خسارت نمودند با دیده حسرت گران و منظر که
روح مساوات روزی آنا را آمار زوای و پیرینه است

سوق و در
لطایف غیبیه نگذاشت که قاموش کننده عدالت
شیر اسحر کند امید دارها کامل دست طمعت بر
انتقام از آسین مردانه جوانمردان روسیه پرورن
بایک انقلاب پر از شرف تار را از تحت سرنگان
تخمس و از گون سمسد به گان و به استغناق بر
فوج نجش حریت کردند

موفقیات ملت روسیه بقدری با امید ایرانیان
افزود که هیچک از عناصر ایرانی (سوازی یک جمع
رذل بئرف) نتوانستند از اظهار شرف بود
کنند نظر بودند که سر بیا از حرف حکومت دموکراسی

تیز با سنباله
ن میانیم
رض کردن
چوب خود را
لذت
بردار خوا
بخارات
بند گرفت
سبت شده
دع با صلاحات
حکام جریه
ست است
آن خمند
با صلاحات
دو بار بود
سی عظیم که
در خواست
ج
دول را
ارین گرام
ید
مالک
ملک
نمی خود را

روس جبران ثقات شده بگلهای مادی و معنوی تخیله
ایران و لغات اقبالیات ششوم بری بچراغات قلوب
باگذاردند

مع اتانف تا امروز اظهارات مساعدت آمیز دولت
دولت روسیه مثل شرفیت یازده ساله ناپااز
و ایرد لفظ جیرون نهاده در حالتیکه

قول را فعل لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعاً سنجید و ظالم
و دارای محبت و اتی و شرف آدمی بیچگاه از ابراز
حیات دوستانه درباره همایگان خود قاطعاً بر
خود داری نه داشته اکنون نیز ایرانیان همه اظهارات
برادرانه آنانرا بجز قبول تلقی میکنند ولی قوت
دولت را جز اطاعت و تسلیمین حکومت مشروطه
خود چه تکلیفی است

حوادث اخیر بطور گراوگر گواه صادق مافیت
اظهارات و تناقضات بر شهیدای ما البته شایان
تقدیر است ولی امروزه بمرورده بفرموده ایدگت
ببینیم بزندگانی ایرانی حق حیات استقلال داده میشود؟

حکومت در مرکز اسی روس با صمیمیت ملت خود
نیت باجهراه است؟

در اینجا جواب منفی است! چرا؟

تا امروز ضیقیت ندیدیم در حالتیکه

قول را فعل لازم است

از آغاز جنگ بین اسی ایران و سبیطنی خود را اعلام
و مطمئن بود که دول همایه نقض بیطنی او را نخواهند
همایگان جنوب و شمال با هم جلوه گیری اند

بروپا گانه آنان بیای مدخله طنی و جس قنولات

خودشان مامور داخلی مایه گرفته کرده پیش از سایر دول
موزش اختلال مملکت بودند بیجای آنکه در پیجی
موقی دست از تجاوز کشیده سوا و قنولات
خود را که هر یک در حوزه ماموریت خود سلطانی
مستقل و مقتدر هیچ قیدی نبودند امر بمالک نموده
و دولت ایران را با مساعدت خود بگذارند بیطنی
خود را محفوظ و فواید بیطنی آنرا خود جلب کنند
بیچیک از اینها عطف نظری نموده سهل است
رسمتی بغلطت و تقدسی مامورین ایشان افزوده
و از طرفی بنای بیوق قوتن گذشته سبب شدند
که در میان آنان بعنوان معارضه مثل قوتن وارد
کرده ایرانیا را بجلاده هزاران بدبختی و چار
قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترمیم آنها از
دائرة قدرت فعلی هم ما خارج باشد چه رزوه

حقیقت از یادمان میرود!!!

قوتن عثمانی در بدو جنگ مگر قادر بر تجاوز و دخول
به خانه ما بودند؟

جنگهای حدود و کرمانشاه زمان رئیس الوزرا
عین الدوله از خاطر ما محوشد؟

چه چیز سبب شد اجراء از ورود عثمانی بچاک
ایران مما بغنی عمل نیاید؟

همان وجود قوتن روس و ورود قوتن
جدید روس و مدخله دولتن انگلیس و روس
صریحاً!

آیا میتوانستند انکار کنند؟

شماره
فرونت
روس
ما به
از مقصود
داره
و بهتر
برند
دادن
مکرر
ایران
همه
آیا
از ایران
آیا
مد
مهاجرین
جای
باز هم
است
باز هم
شاید
آیا
و بقول
انگلیس
بین
جلوه

فرونت ایران از کدام نقطه سوق الجیشی برای دولت روس شتر تر است؟ که با آن همه امتحانات نوزده ماهه هنوز از این پلیسک بی صرفه دست نگشیده اگر مقصود مجاریه با عثمانی است سرحدات قفقاز و آرمینیه از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر و بهتر است دیگر دست از گریبان شتی پچارگان برنداشتن و مملکت آنرا از اسیدان مجاریه قرار دادن جز تولید سود تعاقب نتیجه دیگری خواهد دلا مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شاه ایران از تحلیه کنند بیرون کردن عثمانیها را اما همه داریم آیا امتحان کردند؟ آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس از ایران متوسل بعد دیگری شدند؟ آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و بغداد مد تقرف متحد آنها حکومت روسیه و موکرای میاجین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر جای عذری باقی است؟ باز هم مواجید دیپلوماسی که اساسش تقش بر پست است؟! باز هم باید خلیت در حجاب الفاظ برآوردی بیسته شاید بازاری باشد؟ آیا میتوان اندم در بار خودس صرف نظر کرده و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه قول را فعل لازم است و انگلیس برای نداشتن قشون کافی در ادو مطجک بین المللی دولت مستبده تازی را آلت و بانم جلو گیر از هجوم احتمالی عثمانیان محرک شد خاک ایران را

میدان مجاریه قرار دهد خودم بوشهر را اشغال میدارم نخواه خود را با هزار تومان سرمایه روس منظم و شریک بنادی شدند که فزانه خود را تا تسکیلات جدیدی قشونی خود تا بین کنند امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی عثمانیها از ایران بفرستد دولت وقت از او روس عدم صرفه فرونت ایران را احساس کرده دانستند که تحلیه ایران از اشغالش بشیر متعودن بصرفه است تا امر ذآلت بودند از این بعد نباید آلت شد دیگر چینی؟! عجب بگویند در صورت خروج عثمانی و انگلیس از ایران و خانه جنگ قشون با عودت میکند! عثمانیها که رفتند گو یا همان صورت همیشه عثمانیها را اراده میکنند! انگلیس که متحد آنها است خانه و یاد و دام جنگ (جز اینکه برای تقویت بشری) ما را از قتل اجبار بشتر شالم میکنند دیگر چه ربطی با ما دارد؟ اگر فخری قشون عثمانی در حدود کردستان و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون دولت آزاد روس است امتحان ما را بسجال خود مان مگذارید اگر عثمانیها و سایرین قانده بتجاوز ما عا جز از جلوگیری شدیم آنوقت بفرماند بخلاف عقاید حکما ما را در دایره دور و تسلسل سرگردان کنید دور و تسلسل در بین روس و انگلیس میگویند ما نیز بوم و فیکه عثمانی

چهارم
سایر دول
در بحی
سولات
ملطانی
نموده
بریطانی
کنند
است
افزوده
بشدند
قشون دار
در چهار
م آنها از
چند روز
زود و خو
نوزده
بجاک
قشون
روس

چشم باز و گوشش باز این عجبی

چیرم از چشم بندت خدا

معاودت با برشت یا اقامت جنگل و عرض هم

زیرا ما ایرانی و ایران دیران خانه ما در این است

ما بچشم نگریم بلکه همه وقت مورد هجوم سایرین

شدیم خصمانه و درود میکنند دفعه میکنیم و در

شانه می آیند پذیرانی میمانیم گریه مصداق

با کیه عالم بختیم برای فقدان وسایل از همانا

محترم خود پذیرانی کامل نمودیم

و خاتمه از کینه محترم کار نیزون و تمام مهادین و عظام

صالحه وقت آزاد رسته اتقان و شکر نموده و بیداریم

که اظهار نشان از روی صداقت بر صمیمت بوده و در

بود و ما هم در گوشه جنگل با بظن افعال مواجید برادران

آنها مقیم در این دوازده یک دنیا آمدند که

قول راضل لازم است

(یکتو جنگلی)

قابل توجه گارکنان مساوات

در بین طبع و در زمانه این خبر وقت اثر بگرشش

بار سیده

اعدام

روز شنبه از کرمانشاه خبر رسید چندی که روسها

۱۸ نفر از انالی را بدار زده معدوم نمایند تا گرن

بر ما کشف شده که آنها از چه طبقه میباشند

ساره ایران

شدت حرکات قشون روس

افیرا الا افار ایف سیله تری از معاند نظامیان روس

نبت بارینها شنیده میشود که در صورت صحبت باید

قضیه ظلم و فشار را در نصف الهام شدت دانست

شغله میبود که قشون روس از آنطرف کرمانشاه

عقب نشسته و در موقع ورود بکرمانشاه دست تظاول

گشوده اند همچنین در خصوص مال گیری و خواستن آذوقه

تعدیات فاحش از ایشان نبت بر عابای بیچاره ایران

مشاهده میبود که تا بحال این حرکات کم نظیر بوده و در

استیجاب هم باز متوجه اوسبای دولت و سفارت دولت

بیته شده و در خواست علاج عاجل میمانیم

سالمون

چند روز است که مجدداً تکرار شدت سمدان از طرف

روسها سالنور میبود مسنده سالنور هم که در باره

نقاط ایجاد شد و هنوز هم برقرار میباشند امر مفکلی است

باد اوروشن

راجع بنامیده معارف

از جهت مدارس قدس و کسما پاکتی با دار سیده

شکایت از نامیده محترم معارف که مدتی است فدخواست

پر و گرام وزارت معارف و اعیان مدارس را از ایشان

بر کرده ایم ابد اعطف تو جوی تو نموده و تا بحال جواب

جنگل

از رئیس محترم معارف شدت دستور و پر گرام وزارت

جدیده معارف را در خواست میمانیم که تکلیفات مداری

دین سامان ناقص نماید

و اجورت وصله

از شدت با یوزیند که با زور عبده خان به از سیده

به خاطر دارشیدو نظیه خیانت های اجزای سابق را

کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را غول و بطهران

روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شیخ که بدو

محاکمه خارج شدند

مانده آقای ماروز را با عمل این دو نفر فاسق دولت

دولت جلب میمانیم

برای رنده داشتن نام نگانه شهید راه وطن میزبانان
خان میرصورتراقیل

یکمست از این جریده را بنام ذیل میکاریم
(چرند پرند)

تکذبات خارجه - بتوسط آژانس پیاده
از فرنت بزرگ میدان

یوم جمعه یکساعت ۲۵ دقیقه بزود آمدن
خوش موزیک از دره بزرگ میدان بلند گردید
(نطق امید بخش)

دیدن عباتی مادر طرف اظهارات خود چنین
بیان نموده این فرزند نسبت به حال سابق آفتاب
بخش است همین قسم که دو طلبه جوانان با
محل و کروت عصار کف دست گرفته در حیاطها
بزرگ میدان و سنگهای باغ قسم عرض اندام میاید
عقرب است که مقام توکنی را اجرا نمایند

(از قلمستان)

خدمت فوریه - در نزد اشخاص رفت و رفت وجود
خارجی پیدا کرده در گوشه در کنار کب است
احتمال بی امراض سریه میزد از قیل (ریل) قی
(استغفار از وزارت) (بانیولیا) از طرف مجلس
خود انقو خوب است برای جلوگیری از این
مرض ملک یک قرنطینه در دریاغ و کین قش
گذارد شده که با یرین مرتب کند

(اوپیاست)

این دوره تقیبه چون دوره چاه است

ایرانیان ارسال ماخوڑت

طبعه کسان

این موقع فتنه و کرموقع کار است

ای غرق باو نام در عالم غصه
این ماه دیگر آفریام بهار است
نزدیک با تمام کوحوزه و کت
نی وقت شراب است غایت قمارت

این دوره چه پاریزه - بی بهانه
آسی وقت بدخت کوشش
این رشته بگسته با پذیرانه

ای مردم دل نخت کوی جنت
این شبه چو آینه نشیند سخا

تا وقت گذرفت که کوشش
افسوس که روزی چو شب است

امروز که سفورده آمد رفت شداد
با دوره سجده باز که رایم
امروز که روستی آزاد با داد
صد و عدد عاید ما خود بکاریم
امروز که باید بود مملکت آباد

با این همه امید ما کنگاریم
هر کس بخوشی به راه سوار است
امروز که بهایه باگشته پارسا

باصلت خوش بیار چه گوید
امروز که بیکانه باگشته دکار
از جنت و دیش تا چاره بگوید

امروز که از قدرت سر نزه اجوار
خانن شده در لیش کی دست نرید
او باز بهر گوشه که دیش نبر است

محل دوش از دست شبانه زانو (نگارش ۵۰)

شماره
جام
سرور
نگار افان
جنوا
فوسن
هفته
کف
ک
بایاری
جوانای غیور
این و آن
یک قوی که
یک روز نام
امروزی و
ببولت
با امیک
منت
ایشان
امیر
از جرات
ماحقه
در مری
اجلا
بارمان